



فتنه‌شناسی و راه‌کارهای مقابله با آن در کلام امام علی(ع)

محمد شریفانی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

چکیده

فتنه، در اصطلاح ادبیات سیاسی اسلام، ناظر بر اموری است که حق و باطل در آن به هم آمیخته می‌شود؛ به گونه‌ای که به سادگی نمی‌توان میان آن‌ها تفکیک قائل شد. در اهمیت شناخت فتنه همین بس که بقا و زوال جامعه در گرو فتنه‌شناسی و راهکار مقابله با آن است و شناخت به موقع، بررسی، تحلیل و رفع فتنه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در کتاب شریف نهج‌البلاغه، به این موضوع اشاره شده و از آن‌جا که زندگی امیرالمؤمنین(ع) با انواع بحران‌ها و فتنه‌ها همراه بوده، تحلیل آن می‌تواند عامل روشن و مؤثری در شناخت فتنه‌ها باشد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل اسنادی به روش توصیفی-تحلیلی است. بدین منظور کلمات امیرالمؤمنین(ع) از نظرگاه فتنه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و به بسترهای ایجاد فتنه‌ها اشاره شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دنیاگرایی فاسقانه و دین‌داری جاهلانه دو بستر مهم در ایجاد فتنه‌ها است. مورد توجه قرار دادن فرمایش‌های امیرالمؤمنین(ع) در مورد فتنه‌های اجتماعی هم از سوی حاکمان و هم از سوی مردم، می‌تواند جلوی بروز بسیاری از فتنه‌های غبارآلود را گرفته و یا در صورت بروز، آسیب‌های آن را به حداقل رسانده و زمینه را برای دنیای به‌دور از فتنه فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: فتنه، فتنه‌های اجتماعی، مقابله با فتنه، بصیرت، نهج‌البلاغه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و فقه دانشگاه شیراز.

*: نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

فتنه‌شناسی به‌عنوان یک بحث نظری قابل‌تحلیل و به‌عنوان بستر مهم عملی برای بحران‌های رایج در جامعه اعم از بحران‌های اقتصادی، سیاسی، نظری فرهنگی و به‌منظور پرورش رفتار انسان‌ها و ایجاد یک فضای متعادل و با صرف بهره‌گیری صحیح از نیروهای انسانی فتنه‌شناسی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است که در این مقال ضمن بیان بحث به ضرورت و اهمیت مسئله هم پرداخته خواهد شد.

۱-۱. بیان مسئله

فاصله از زمان وحی، غیبت و عدم حضور امام، پیچیدگی روزافزون مسائل حیات انسان، گستردگی چهل بشر، ابرهای تاریک و چیزهای ناشناخته زمینه را برای بروز فتنه‌ها مستعد ساخته. شناخت فتنه‌ها، زمینه‌ها و عوامل به وجود آورنده آنان و از همه مهم‌تر راهکارهای مشابه آن هم از زبان انسانی که در متن فتنه‌ها زندگی کرده موضوعی است که مقاله حاضر درصدد تبیین محورهای آن است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

فتنه، در اصطلاح ادبیات سیاسی اسلام، ناظر بر اموری است که حق و باطل در آن به هم آمیخته می‌شود، به‌گونه‌ای که به سادگی نمی‌توان میان آن‌ها تفکیک کرد. فتنه دارای یک بعد نفسانی و یک بعد نظری است؛ بعد نفسانی فتنه، یعنی خودخواهی، منفعت‌طلبی و خودمحوری و بعد نظری آن؛ یعنی اصول و واقعیت‌ها را تغییر دادن یا تحریف کردن. در فتنه حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند؛ یعنی فتنه‌گران بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط کرده و فضایی غبارآلود ایجاد می‌کنند؛ بنابراین هوای نفس و بدعت دو مؤلفه مهم در ایجاد فتنه‌ها هستند. در مورد موضوع فتنه کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است از جمله کتاب «جریان‌شناسی فتنه در نهج‌البلاغه» که آقای سید کاظم میرحسینی در این موضوع نوشته‌اند و همچنین مؤسسه فرهنگی قدر ولایت کتاب «فتنه و فتنه‌گران با نگاهی به نهج‌البلاغه» را نوشته‌اند و مقالاتی نیز در این موضوع وجود دارد که می‌توان به مقاله «روش‌شناسی رویکرد با فتنه در نهج‌البلاغه» از معصومه باقر پور و مقاله «خاستگاه فتنه و راه‌های مقابله با آن» از منظر نهج‌البلاغه نوشته صدیقه نیک طبع.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از این جهت که بحث درباره فتنه، بحث روز است در هر زمانی پژوهش درباره این موضوع ضرورت دارد و به همین دلیل است که در قرآن کریم به مطالعه درباره زندگی گذشته‌گان و تفکر و عبرت‌آموزی از وقایع تاریخی توصیه شده است.

فتنه‌گران با ایجاد فتنه‌ها حوادث مهمی را در تاریخ رقم زده‌اند و گاه انحرافات بزرگی را در مسیر حقیقت ایجاد کرده‌اند و از آن جهت که اصولاً حوادث تاریخی وجوه تشابه فراوانی دارند بنابراین موضوع فتنه‌شناسی و راه‌کارهای مقابله با آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است.

حضرت علی(ع) ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) با اصرار مردم، رهبری جامعه اسلامی را در دست گرفت و در این مدت کوتاه (کمتر از پنج سال) درگیری‌های سیاسی زیادی اتفاق افتاد که حضرت از آنها با نام فتنه یاد می‌کند. درگیری‌های زمان حضرت علی(ع) برخلاف زمان حکومت پیامبر اکرم(ص) جنگ میان کفر و اسلام نبود بلکه جنگ میان اسلام راستین و اسلام دروغین بود و هر دو طرف خود را مسلمان و از اصحاب پیامبر می‌دانستند به همین دلیل حضرت از این وقایع با نام فتنه یاد می‌کند.

در این مقاله پس از بحث مفهوم‌شناسی فتنه و نحوه‌ی شکل‌گیری و پیدایش فتنه، به بسترهای ایجاد فتنه، ویژگی‌های دوران فتنه و وظیفه‌ی افراد ناآگاه در شرایط ظهور فتنه پرداخته می‌شود که از جمله نوآوری مقاله حاضر از آن منظر است که علاوه بر استفاده نظام‌مند از کلمات امیرالمؤمنین(ع)؛ نگاه تطبیقی به مسأله نموده بدین معنا که دریافت موضوع از شخصی که علاوه بر بعد نظری که امیر الکلام است عملاً در میدانی فتنه‌ها زندگی کرده و بالطبع سخن وی تطبیقی است بر آن چه با آن اندیشه بوده که قطعاً چراغی است روشن برای آینده تاریخ.

۲. بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی فتنه

در معنای لغوی واژه فتنه، نوعی جداسازی جنس اصیل از اجناس تقلبی و بدلی وجود دارد. به‌عنوان مثال هنگامی که برای آزمایش اصلی یا بدلی بودن یک قطعه طلا آن را در آتش می‌اندازند و حرارت می‌دهند، می‌گویند: «فَتَنَتُ الذَّهَبَ بالنار» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل ماده فتن) فتنه در قرآن کریم به معانی متعددی از قبیل داغ کردن^۱، وسیله آزمایش و امتحان^۲، حجت و دلیل^۳، شرک^۴، کفر^۵، قتل^۶، شدت بلا^۷ و ... آمده است. برخی گفته‌اند: ریشه همه این معانی یک چیز است و آن عبارت است از «اختلال همراه با اضطراب». به همین دلیل فتنه مصادیق زیادی دارد؛ همچون اموال، اولاد، اختلاف در آراء، عذاب، کفر، آزمایش، آشوب اجتماعی، ابهام و تحیر در تشخیص حق و جز آن (مصطفوی، ۳۶۸: ۲۳-۲۵).

۱. ذاریات (۵۱): ۱۳

۲. انفال (۸): ۲۸

۳. انعام (۶): ۲۳

۴. بقره (۲): ۱۹۱

۵. توبه (۹): ۴۹

۶. نساء (۴): ۱۰۱

۷. ممتحنه (۶۰): ۵

در زبان و ادبیات فارسی، واژه فتنه حاوی نوعی شیطنت، حيله‌گری، آشوب و بلواست که به‌منظور بهره‌برداری‌های شخصی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی از سوی برخی سودجویان به‌کار گرفته می‌شود. اما فتنه در اصطلاح ادبیات سیاسی اسلام به آزمایش‌های پیچیده و بسیار مبهمی ناظر است که در آن حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که به سادگی نمی‌توان میان آن‌ها تفکیک کرد.

در حقیقت، فضای فتنه، فضایی غبارآلود است و در همان زمان امکان تشخیص قطعی حق از باطل برای بسیاری از افراد دشوار می‌نماید؛ مانند فتنه جمل و خوارج که بسیاری از مردم از آغاز آن امر در آن توقف کردند و حال بر آنها مشتبه شد و جایگاه حق را ندانستند تا این‌که فتنه پایان گرفت و سرکرده گمراهی از سرکرده هدایت آشکار شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۹۲: ۵۵/۷). امام علی(ع) اشاره می‌کند که فتنه‌ها در زمان وقوع قابل تشخیص نیستند ولی گذشت زمان پرده از حقیقت آن‌ها برمی‌دارد:

همانا، فتنه‌ها چون روی آورد، باطل را به‌صورت حق آراید و چون پشت کند، حقیقت - چنان‌که هست نماید. فتنه‌ها چون روی آرد شناسندش و چون بازگردد داندش (خطبه/۹۳).

امام در کلام دیگری آمیختگی حق و باطل را «شبهه» می‌نامد و دلیل این نام‌گذاری را شبیه شدن باطل به حق عنوان می‌کنند: شبهه را شبهه نامیده‌اند چون حق را ماند (خطبه/۳۸).

۲-۲. نحوه شکل‌گیری و پیدایش فتنه

آن‌چه از سخنان امیرمؤمنان پیرامون نحوه شکل‌گیری و ظهور فتنه قابل‌استخراج است، این است که پیدایش فتنه امری تدریجی و پنهانی است؛ فتنه‌ها هرگز یک‌شبه زاده نمی‌شوند، بلکه رشدی آرام و تدریجی دارند؛ یعنی فتنه‌انگیزان که دست به ایجاد آشوب می‌زنند بدون مهارت و هوشیاری و آشنایی با انواع مکر پردازی‌ها اقدام به کار نمی‌کنند آنها مهارت و تخصص فراوان به‌دست آورده‌اند و همه جوانب و ابعاد دگرگون کردن اصول و قوانین و جریان‌ات اصلی و فرعی را درک نموده و آنها را برای ناتوان ساختن مردم به‌کار می‌برند که در این جریان مردم را در ابهام و تاریکی فرو می‌برند که گویی این مردم هستند که با آگاهی و اختیار رو به نابودی می‌روند و از این طریق جوامع را رویاروی هم قرار می‌دهند و به خصومت می‌پردازند (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۴۶/۲۴).

امام فتنه را به جنینی تشبیه می‌کند که به‌طور پنهانی پرورش می‌یابد و ناگهان متولد می‌شود: «از مستی‌های نعمت بهره‌بیزید و از سختی‌های عقوبت بترسید و بگریزید و بر جای خویش بمانید آنگاه که شُبّهت گردی برآرد و یا فتنه راه کج پیش پای گذارد و هنگامی که طلیعه آن آشکار شود و نهفته‌اش پدیدار، کارش استوار باشد و آسایش به کار» (خطبه/۱۵۱).

امام در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که فتنه از راه‌های پنهان وارد می‌شود: «فتنه از رهگذرهای پنهانی درآید و به زشتی و رسوایی گراید. آغازش چون عنفوان جوانی، خوش و دل‌ربا و آثارش چون نشانه‌هایی که از ضربت سنگ برجای ماند، زشت و نازیبا» (همان).

ورود فتنه معمولاً از راه‌هایی است که بسیاری از افراد نسبت به آن حساسیت نشان نمی‌دهند تا آنجا که گمان می‌رود اصلاً وجود ندارد. ولی ناگهان نقاب از چهره می‌افکند و هویت خویش را آشکار می‌کند. به طوری که چنان مخفی و باریک است که اغلب مردم سطح نگر نمی‌توانند آنها را تشخیص بدهند و ناآگاهان با کمال جدیت در همان راه گام برمی‌دارند و با کمال بی‌توجهی آب را در آسیاب دشمن می‌ریزند و امام برای هوشیاری در هنگام فتنه‌ها جدی‌ترین هشدارها را می‌دهند.

فتنه پس از آن که مراحل پنهانی و تدریجی پیدایش خود را پشت سر نهاد و به ظهور رسید، به محکم کردن جای پای خود می‌پردازد. امام علی(ع) وقوع فتنه بنی‌امیه پس از شهادت خود را به پرچم ضلالتی تشبیه می‌کند که همچون درختی استوار بر زمین کوبیده شده است و شاخه‌های خود را به بخش‌های مختلف می‌پراکند و به همین جهت افراد بیش‌تری را زیر چتر خود جای می‌دهد: «درفش گمراهی را می‌بینم چون درختی تناور بر پای مانده و شاخه‌ها به هر سو دوانده. به پیمان‌های خود به شما می‌پیماید و هر ستم که تواند به شما می‌نماید» (خطبه/ ۱۰۸).

۲-۳. بسترهای ایجاد فتنه

هر فتنه‌ای برای به وقوع پیوستن نیازمند زمینه‌های آماده و مناسب است. در این‌جا برخی از بسترهای وقوع فتنه را بررسی می‌کنیم:

۲-۳-۱. ثروت‌اندوزی و مال‌پرستی

یکی از اموری که بستر لازم را برای فتنه فراهم می‌کند، شیوع ثروت‌اندوزی و پول‌دوستی است. امام علی(ع) با نقل سخنی از رسول اکرم(ص) در پیش‌بینی حوادث آینده امت اسلامی، نخستین عامل ایجاد فتنه را مسائل مالی عنوان می‌کنند: [رسول خدا](ص) فرمود: «ای علی! پس از من، مردم به مال‌های خود فریفته شوند» (خطبه/ ۱۵۶).

نگاهی به تاریخ نیز نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از فتنه‌های جامعه اسلامی، ثروت‌اندوزی، تجمل‌خواهی و مال‌پرستی بود. از همین روست که امیرالمؤمنین در خطبه‌ای که تماماً بر محور بحث فتنه می‌چرخد، به مردم تذکر می‌دهد که از سستی حاصل از نعمت‌ها بر حذر باشید که فراوانی نعمت موجب فتنه‌گری‌تان نشود: «از مستی‌های نعمت بپرهیزید و از سختی‌های عقوبت بترسید و بگریزید» (خطبه/ ۱۵۱).

برای نمونه در آیات ۷۶ و ۷۷ سوره قصص به داستان قارون و ثروت‌اندوزی او اشاره شده است که بهره‌مندی از مال و ثروت او را از خدا غافل ساخته به هلاکتش انجامید.

همچنین در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه امام علی(ع) خطاب به عثمان بن حنیف که بر سر سفره پر زرق و برق یکی از سرمایه‌داران بصره به مهمانی رفته بود را مورد توبیخ قرار می‌دهد و در واقع با ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی مبارزه می‌کند.

۲-۳-۲. دین‌داری غیرعالمانه

یکی دیگر از امور بسترساز برای ایجاد فتنه، ضعف در دین‌شناسی و دین‌داری است. به هر اندازه که تعداد ناآگاهان از حقایق دینی در جامعه افزایش یابد، به همان اندازه باید منتظر وقوع فتنه بود. امام علی علیه السلام ارتباط میان فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی را چنین بیان می‌کند: «مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار، بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند. فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد» (حکمت/۳۶۹).

هنگامی که از دین خدا تنها یک عنوان توخالی باقی بماند و حقیقت و محتوای خود را از دست دهد مساجد که برترین خانه‌های روی زمین هستند، به بستر ایجاد فتنه‌ها تبدیل می‌شوند و مسجدنشینیان به فتنه‌گری و جنجال‌آفرینی مشغول می‌گردند.

علت این امر را نیز چنین می‌توان تحلیل کرد که دین خالی از محتوا، ابزار زورمندان و چپاولگران است برای تزویر و سالوسی در برابر بندگان خدا و با چنین ابزاری است که می‌توان توده‌ها را فریفت و بر مال و جان و سرنوشت آنان تسلط پیدا کرد.

۲-۳-۳. پیروی و تقلید کورکورانه از بزرگان

از دیگر عوامل زمینه‌ساز برای فتنه‌ها، پیروی کورکورانه از بزرگان جامعه است که به گفته‌ی قرآن کریم از عوامل گمراهی و شقاوت بسیاری از انسان‌ها می‌باشد: ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَّرَاءَنَا فَاذَلُّونَا السَّبِيلَا﴾ (احزاب/۶۷) و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند».

امیرمؤمنان مردمان را از پیروی مهتران و بزرگانی که دین به دنیا فروخته‌اند و به دشمنی با خدا برخاسته‌اند، منع می‌نمودند و آنان را ارکان و ستون‌های فتنه معرفی می‌فرمودند: «هان بترسید! بترسید! از پیروی مهتران و بزرگانتان که به گوهر خود نازیدند و نژاد خویش را برتر دیدند و نسبت آن عیب را بر پروردگار خود پسندیدند و بر نعمت خدا در حق خویش انکار ورزیدند، به ستیزیدن برابر قضای او و بر آغالیدن بر نعمت‌های او» (خطبه/۱۹۲).

پس آنان پایه‌های عصبیتند و ستون‌های فتنه و شمشیرهای نازش [به خوی] جاهلیت. بزرگانی که بزرگی‌شان را نه از تقوا که از نژاد و طبقه و خاندان به‌دست آورده باشند، آن‌چنان در بزرگی طلبی بالا می‌روند که گویا با مقام کبریایی حضرت حق نیز درگیر می‌شوند و با تقدیر و نعمت‌های او درمی‌افتند. چنین کسانی، به‌واسطه‌ی انواع قدرت‌هایی که در اختیار دارند و ترسی که از خدای متعال ندارند، ستون‌های فتنه را در اجتماع شکل می‌دهند و تعصب‌های قبیلگی و جاهلی را ملاک عمل خویش برمی‌گزینند.

امام تعصب و فتنه را به خانه‌ای تشبیه می‌کند که شالوده آن را سردمداران فاسد و ستون‌های آن را متکبران خودخواه تشکیل می‌دهند و همه را از سکونت در چنین خانه‌ای بازمی‌دارد و شعارهایی که در زمان جاهلیت برای تحریک بر ضد یکدیگر می‌دادند را تشبیه به شمشیرهای برنده می‌کند و سردمداران فساد را به منزله این شمشیرها می‌شمارد چون در زمان جاهلیت هرگاه قبیله‌ای مورد تهدید از سوی مخالفان قرار می‌گرفت به جای اصلاح و آرامش روسای جاهل دستور می‌دادند که شعارهای جنگ سرداده شود و آتش جنگ را شعله‌ور می‌ساختند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۹۳/۷).

۲-۳-۴. تبعیت از بدعت‌های ایجادشده در دین

از دیگر سرچشمه‌های پیدایش فتنه، نوگرایی بی‌منا در احکام دینی، یعنی بدعت‌گذاری در دین است. دو چیز عامل بدعت می‌شود: تفسیر به رأی و ضعف علم و دانش و جهل است که ابزاری در دست هوس‌رانان و فرصت‌جویان است که تلاش می‌کنند با تمسک به آیات و احادیث و ارائه نوعی تفسیر به رأی از آیات و احادیث که نتیجه آن بدعت‌گذاری در دین است جامعه را به سوی انحراف بکشانند. بدعت معمولاً از سوی دین‌شناسان بی‌تقوا و اندیشمندان دنیاطلب صورت می‌گیرد و از آن‌جا که این گروه‌ها صاحب موقعیت اجتماعی هستند، عموم مردم نیز بدون آن‌که توانایی تشخیص بدعت را داشته باشند، از آنان تبعیت می‌کنند.

مولای متقیان به نقش عامل بدعت در غرق شدن افراد در چنگال فتنه چنین اشاره می‌کند: «به دریاهای فتنه در شدند و بدعت‌ها را گرفتند و سنت‌ها را وانهادند. مؤمنان به گوشه‌ای رفتند و گمراهان دروغ‌زن به زبان آمدند و سخن گفتن» (خطبه/۱۵۴).

فرو رفتن در دریاهای فتنه، نتیجه پیروی از بدعت‌ها و بدعت‌گذاران است. هنگامی که بدعت‌ها پرتنگ شوند و میدان را به دست گیرند، روشن است که مؤمنان حقیقی - که سنت‌های اصیل دین را پاسبانی می‌کنند - به انزوا کشیده می‌شوند و به جای ایشان، دروغ‌گویان و گمراهان میان‌داری می‌کنند و توده‌ها را به دنبال خود به فتنه‌ها وارد می‌نمایند.

این عبارت اشاره به احوال کسانی است که نزد شنوندگان شناخته هستند و امام به نکوهش و بیان گمراهی‌های آنها پرداخته است مانند معاویه و اصحاب جمل.

واژه بحار(دریاها) برای فتنه‌ها و جنگ‌های بزرگ استعاره شده است و فعل خاضوا(فرو رفتند) شرح می‌دهد که بدعت گاهی به معنای ترک سنت و زمانی به معنای امر دیگری است که با ترک سنت همراه است (ابن میثم بحرانی، ۱۳۸۵: ۳-۲/۵).

۲-۳-۵. شایعه‌سازی و شبهه‌افکنی

شبهه‌افکنی که غالباً از طریق شایعه‌سازی در جامعه جریان پیدا می‌کند، موجب امتزاج حق و باطل و تولید «حق‌نما» می‌شود. البته شبهه و فتنه، رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر دارند و هر یک هم عامل دیگری است و هم حاصل آن؛ یعنی همچنانی که شبهه‌سازی از زمینه‌های ایجاد فتنه به شمار می‌رود، در فضای

فتنه‌آلود نیز تشدید می‌گردد. امام علی(ع) ورود فتنه و پیش‌درآمد آن را - همچنانی که پیش‌تر گفته شد - همراه با ایجاد شبهه می‌داند: همانا، فتنه‌ها چون روی آورد، باطل را به صورت حق آراید. (خطبه/۹۳) هرچه فضای جامعه شبهه‌آلودتر و غیرشفاف‌تر باشد، زمینه برای ایجاد فتنه‌ها فراهم‌تر می‌شود. هم از این روست که شاعر پارسی‌گوی سروده است:

نبینی که وقتی که برخاست گرد نبیند سر، گر چه بیناست مرد
(سعدی شیرازی، ۱۳۷۴: باب سوم)

۲-۴. شرایط و ویژگی‌های دوران فتنه

در زمان بروز فتنه‌ها، شرایط خاصی بر جامعه حاکم می‌شود که شناخت آن‌ها برای رهایی از دام فتنه و گرفتار نشدن در آثار آن بسیار مفید است.

۲-۴-۱. فضای غبارآلود

امام علی(ع) در توصیف شرایط فتنه، آن را به فضای گردبادی تشبیه می‌فرماید: «[فتنه‌ها] چون بادهای گرد، گردانند؛ به شهری برسند و شهری را واگذارند» (خطبه/۹۳).

به هنگام برخاستن گردباد و ایجاد فضای تاریک و غبارآلود، انسان‌هایی که اندیشه‌ی باثبات و قدرت تفکر نداشته باشند، قادر به تصمیم‌گیری صحیح نیستند. آنان در این فضای گردبادی همچون پر کاهی به هر سو که دلخواه گردباد باشد، حرکت می‌کنند.

وجه دیگر این تشبیه آن است که اختیار فتنه مانند گردباد در دست کسی نیست؛ وقتی گردباد فتنه در فضای جامعه به حرکت درآید، کنترل آن حتی از اختیار فتنه‌گران نیز خارج می‌شود.

۲-۴-۲. تبلیغات و انحراف افکار عمومی

در روزگار فتنه، هر گروهی می‌کوشد افکار عمومی را به خود جلب کند و حقانیت خود را ثابت نماید. در گذشته که امکانات اطلاع‌رسانی پیشرفته وجود نداشت، طرف‌های درگیر در فتنه در مکان‌های اجتماع مردم مانند بازارها، به تبلیغ حقانیت خود می‌پرداختند. امام علی(ع) در نامه‌ای به یکی از یاران خود به نام حارث همدانی، او را از نشستن در این نقاط بر حذر می‌دارند: «مبادا بر سر بازارها بنشینی که جای حاضر شدن شیطان است و نمایشگاه فتنه و طغیان» (نامه/۶۹).

در توضیح این مطلب که چرا نشستن گاه‌های بازارها مکان حضور شیاطین است، وجوه گوناگونی بیان شده است که صحیح بودن همه آن وجوه نیز بعید نیست؛ اما با توجه به فراز بعدی سخن که این نشستن گاه‌ها را محل عرضه و نمایش فتنه‌ها به‌شمار می‌آورد، می‌توان چنین گفت که یکی از جایگاه‌های عرضه و گسترش فتنه‌های اجتماعی، محل‌های اجتماع مردم است؛ مخصوصاً محل‌هایی که محور اجتماع در آن‌ها، دنیا و زخارف آن باشد، مثل بازار چون در زمان‌های گذشته در بازارها دکه‌هایی وجود داشت که هدف اصلی از نشستن در آن کسانی بودند که اهل آن بازار نبودند و در بسیاری موارد افراد فاسد آنجا را

به صورت مرکز فساد درمی آوردند و امام آنجا را محل حضور شیطان و بروز فتنه‌ها می‌شمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۵۱/۱۱). این به خلاف تجمع گاه‌هایی است که محوریت در آن‌ها با آخرت و توجه به خداوند متعال است، مانند مساجد.

۲-۴-۳. تخریب شدن و آسیب دیدن آگاهان

فتنه‌گران می‌کوشند شخصیت کسانی را که از پشت پرده‌ی اندیشه‌ها و اهداف آنان آگاهند، ترور کنند. به همین دلیل، آنان که با بصیرت و آگاهی، فتنه‌ها را شناسایی کرده و در مقابل آن‌ها می‌ایستند، بیش‌تر از دیگران دچار آسیب می‌شوند. امام علی(ع) به این حقیقت چنین اشاره می‌کند: آن که فتنه را نیک بیند و بشناسد، آزار آن بدو رسد و آن که آن را نبیند، از بالای آن رهد (خطبه/۹۲).

آزار دیدن و بلا کشیدن آگاهان از ناحیه فتنه‌ها، دو وجه می‌تواند داشته باشد:

یکی این که نفس آگاهی از فتنه، فرد را دچار فشار روحی می‌کند و او را - اگر وجدان بیداری داشته باشد - وامی‌دارد که خود را به بلا و سختی افکند تا دیگران را نیز آگاه کند و آنان را از آماج فتنه‌ها برهاند. این چنین است که آگاهان و پیش‌روان یک جامعه همواره تحت فشارند.

دوم این که اصحاب فتنه برای پیشبرد مقاصد خویش، می‌کوشند موانع را از سر راه خود بردارند و روشن است که بزرگ‌ترین مانع در برابر فتنه، آگاهی و بیداری عمومی است. لذا با بیدارگران به مقابله برمی‌خیزند و انواع ابتلائات را برای آنان پدید می‌آورند. خود امیرالمؤمنین یکی از شخصیت‌های بزرگی است که همواره قربانی تهمت‌ها و نیرنگ‌های فتنه‌گران عصر خود و عصور بعدی بودند.

۲-۵. راه‌های مقابله با فتنه

آگاهان و خواص جامعه در شرایط پیدایش فتنه، وظایفی سنگین دارند که عمل به آنها، نقشی اساسی در عبور از بحران و پشت سر نهادن فتنه خواهد داشت. در این جا با نظر به سیره‌ی عملی امام علی(ع) در برخورد با فتنه‌های زمان خویش، وظایف آگاهان از فتنه را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۲-۵-۱. روشنگری و افشاگری

امیرمؤمنان در مبارزه با فتنه‌های زمان خویش، به روشنگری و تبیین ماهیت فتنه می‌پرداختند. به‌عنوان نمونه، فتنه‌گران جمل، خون‌خواهی عثمان را بهانه‌ی آغاز جنگ با ایشان قرار داده بودند؛ حال آن که دست خود آنان آلوده به خون عثمان بود.

امام از انگیزه اصلی آنها برای قتل عثمان پرده برداشته و می‌فرماید که آنها مایل بودند اوضاع زمان عثمان ادامه می‌یافت و برای این گروه امتیازاتی در بیت‌المال قرار داده می‌شد ولی آن دوران گذشته و دیگر باز نمی‌گردد.

مولای متقیان در جاهای مختلف به بیان این مسئله و افشای ماهیت فتنه‌گران پرداخته‌اند از جمله: «به خدا که دامن مرا به گناه آلودن نتوانستند و میان من و خود انصاف را کار نیستند. آنان حقی را می‌خواهند که خود واگذارند [و گریختند] و خونی را می‌جویند که خویشان ریختند. اگر در این کار با ایشان انباز

بوده‌ام، آنان نیز گناه‌کارند و اگر تنها کرده‌اند، به کیفر آن گرفتارند. خود گناه کرده‌اند و بر من می‌خورشند و از مادر پستان‌جوشیده شیر می‌دوشند و برای زنده کردن بدعتی که مرده است، می‌کوشند» (خطبه/۲۲). از جمله روشنگری‌های حضرت، تبیین ماهیت حکمیت در جنگ صفین بود؛ مسئله‌ای که دست‌مایه‌ی اصلی خوارج برای طغیان علیه امام قرار گرفته بود: «همانا دو داور گمارده شدند تا آنچه را قرآن زنده کرد، زنده گردانند و آنچه را مرده خوانده، بمیرانند. ... پس ای ناکسان! نه شری را بنیاد نهادم و نه شما را در کارتان فریب دادم و نه آن را چنان که نیست به شما نشان دادم. رأی مهتران شما بر آن شد که دو مرد بگزینند [تا به داوری بنشینند]. از آن دو پیمان گرفتیم که از حکم قرآن برون نشوند و از آنچه گوید، به دیگر سو نروند. اما آن دو گمراه گردیدند و حق را واگذاردند، حالی که آن را می‌دیدند. دور شدن از راه حق را خواهان بودند، بدان راه رفتند [و به آرزوی خود رسیدند]. پیمان گرفتن ما از داوران بدان شرط که حکم به عدالت رانند و حق را از نظر دور ندارند، پیش از آن بود که آن دو به راه خطا روند و حکمی چنان ناصواب دهند» (خطبه/۱۲۷).

در جریان فتنه‌ی نهروان نیز روشنگری‌های امام سبب نجات بسیاری از فتنه‌زدگان شد؛ به‌گونه‌ای که حدود دوسوم از جمعیت دوازده‌هزار نفری خوارج نهروان از فتنه‌ی نهروان رهایی یافتند. امیرالمؤمنین در آخرین روزهای حیات مبارک خویش نیز با چشمانی اشک‌بار (در متن خطبه ۱۸۲ به اشک بار بودن چشم امام اشاره شده است) از یاران بصیر و روشنگر خویش یاد کردند و صفات آنان را چنین برشمردند:

کجایند برادران من که راه حق را سپردند و با حق رخت به خانه‌ی آخرت بردند؟ کجاست عمّار؟ کجاست پسر تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند همانندان ایشان از برادرانشان که با یکدیگر به مرگ پیمان بستند و سرهای آنان را به فاجران هدیه کردند؟

[پس دست به ریش مبارک خود گرفت و زمانی دراز گریست، سپس فرمود]: «دریغ! از برادرانم که قرآن را خواندند و در حفظ آن کوشیدند. واجب را بر پا کردند، پس از آن که در آن اندیشیدند. سنت را زنده کردند و بدعت را میراندند. به جهاد خوانده شدند و پذیرفتند. به پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند» (خطبه/۱۸۲).

امام در این سخنان گیرا، هم از یاران روشن‌بین و بیدارگر خود نام می‌برند و آنان را به بزرگی می‌ستایند و هم صفات آنان را پی‌درپی بر می‌شمرد و سرّ عظمت آنان در چشم خویش را بیان می‌فرماید. آن محوری که در همه‌ی این شش صفت (کوشش برای نگاه‌بانی از قرآن، اندیشیدن و برپا کردن واجبات، زنده کردن سنت‌ها، میراندن بدعت‌ها، پذیرفتن دعوت جهاد و نهایتاً اعتماد کردن به رهبری و تبعیت از او) موج می‌زند، بیداردلی و آگاهی از حقایق پنهان عرصه‌های فتنه‌آلود و تبعیت از رهبر است. ستایش و مدح حضرت از این افراد، در حقیقت، ستایش صفت آگاهی و بیدارگری است.

۲-۵-۲. نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه‌انگیزان

در بیشتر موارد، هر چند فتنه‌گران در ظاهر خود را یکپارچه نشان می‌دهند، ولی در حقیقت اختلاف‌های عمیقی با یکدیگر دارند^۱. یکی از وظایف خواص در این شرایط، برملا کردن این اختلاف‌های درونی است که منجر به شکست جریان فتنه خواهد شد.

وجود اختلاف در فتنه‌سازان عصر امام علی(ع) نیز روشن و آشکار بود. به‌عنوان مثال، طلحه و زبیر به هنگام برگزاری نماز جماعت بر سر این که کدام یک امام جماعت باشند، با یکدیگر درگیر شدند (طبری، ۱۳۷۸: ۴۷۳).

امام علی(ع) نیز در سخنان خویش اختلاف درونی آنان را افشا می‌نماید و می‌فرماید: «هر یک از دو تن کار را برای خود امید می‌دارد، دیده بدان دوخته و رفیقش را به حساب نمی‌آرد. نه پیوندی با خدا دارند و نه با وسیلتی روی بدو می‌آرند. هر یک کینه‌ی دیگری را در دل دارد و زودا که پرده از آن بردارد. به خدا اگر بدان چه می‌خواهند برسند، این جان آن را از تن برون سازد و آن این را از پا در اندازد» (خطبه/۱۴۸).

آشکار کردن اختلافات درونی جبهه‌ی فتنه، هیمنه‌ی ظاهری آنان را در هم می‌شکند و جامعه‌ی مؤمنان را از هیبت پوشالی آنان در امان می‌دارد. بر این اساس، دیگر غرّش‌ها و پنجه‌نمایی‌های جریان باطل، نخواهد توانست به پیشبرد اهداف این جریان مدد شایانی برساند. از همین روست که قرآن کریم این جریان را به کف روی آب یا کف روی فلز مذاب تشبیه می‌نماید^۲.

۲-۵-۳. هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان

یکی از راه‌های مقابله با فتنه‌ها، حفظ هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان و تحت تأثیر جو قرار نگرفتن است. این حقیقت را از برخورد امام علی(ع) با فرصت‌طلبانی که می‌خواستند از فتنه‌ی سقیفه سوءاستفاده کنند و اساس اسلام را از میان بردارند، می‌توان فهمید.

پس از رحلت رسول خدا(ص) گروهی با انگیزه‌های قدرت‌طلبانه و با سوءاستفاده از جهل عموم مردم توانستند خلافت را به دست گیرند و مقامی را که تنها شایسته‌ی امیرمؤمنان(ع) بود، تصاحب کردند. در این فضای غبارآلود و فتنه‌خیز، افرادی همچون ابوسفیان که از اساس با دین و حکومت اسلامی مخالف بودند، به نزد امام علی(ع) آمدند و با مطرح کردن شرافت نسبی و رابطه‌ی قبیله‌ای و این که عدم قیام به معنای ترس است، از ایشان خواستند که برای احقاق حق خویش قیام کند. اما امام با بصیرت و تیزی خاصی خود در سخنانی آتشین فرمودند: «مردم! از گرداب‌های بلا با کشتی‌های نجات برون شوید! و به تبار خویش منازید و از راه بزرگی فروختن به یک‌سو روید! که هر که با یآوری برخاست، روی رستگاری ببند، و گرنه گردن نهد و آسوده نشیند؛ که [خلافت بدین‌سان همچون] آبی بدمزه و نادل‌پذیر است و لقمه‌ای گلوگیر و آن که میوه را نارسیده چیند، همچون کشاورزی است که زمین دیگری را برای کشت

۱. به گفته‌ی مثنوی: جان گرگان و سگان از هم جداست / متحد جان‌های شیران خداست!

۲. رک: رعد (۱۳): ۱۷.

گزيند. اگر بگويم، گويند خلافت را آزمندانه خواهان است و اگر خاموش باشم، گويند از مرگ هراسان است. هرگز! من و از مرگ ترسیدن؟ پس از آن همه ستيزه و جنگيدن. به خدا سوگند، پسر ابوطالب از مرگ بی‌پژمان است، بيش از آنچه کودک پستان مادر را خواهان است. اما چيزی می‌دانم که بر شما پوشيده است و گوش‌تان هرگز نشنیده است. اگر بگويم و بشنوید، به لرزه درمی‌آييد و ديگر به جای نمی‌آييد، لرزيدن ريسمان در چاهی ته آن ناپديد» (خطبه/۵).

هم‌چنين حضرت به ابوسفیان فرمود: «به خدا قسم تو جز فتنه‌انگیزی مقصود ديگری نداری و ديرزمانی است که بدخواهی برای اسلام را پيشه‌ی خود ساخته‌ای» (شيخ مفيد، بی‌تا: ۱۹۰).
برخورد کوبنده و محکم حضرت با اين جريان - که به ظاهر، در مقابل جريان اصلی فتنه بودند - نشان می‌دهد که در هنگامه‌های بروز فتنه‌ها، همواره گروهی پيدا می‌شوند که غبارآلود بودن فضا را غنيمت می‌شمرند و به سوءاستفاده می‌پردازند تا در اين آشفتنه‌بازار، مقاصد خویش را به پيش ببرند، بی آن‌که به هیچ‌کدام از طرفين درگير در فتنه کاری داشته باشند.

در چنین فضایی، لازم است که با هوشیاری فراوان، امور را اصلی - فرعی کرد و به دام سوءاستفاده‌گران و کاسبان فضای فتنه در نیفتاد و مجال بهره‌کشی را از آنان گرفت.

۲-۵-۴. تلاش برای آرام کردن اوضاع جامعه

برخورد حساب‌شده و تلاش برای آرام کردن اوضاع و در نتیجه، فراهم شدن زمینه برای روشن شدن حقایق، یکی از وظایف آگاهان در شرایط بروز فتنه است. امام علی(ع) بعد از جريان حکمیت در پاسخ به اين پرسش که چرا برای داوری و حکمیت میان خود و آن‌ها، مهلت و فرصت قرار داد، فرمودند: «اما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای داوری مدت نهادی؟ من اين کار را کردم تا نادان خطای خود را آشکارا بداند و دانا بر عقیدت خویش استوار ماند و اين که شاید در اين مدت که آشتی برقرار است، خدا کار اين امت را سازواری دهد [تا از سختی و فشار برهد] و ناچار نشود با شتاب جست‌وجوی حق را واگذارد و از آغاز به گمراهی گردن در آرد» (خطبه/۱۲۵).

امام در اين سخن حکيمانه چند نکته را به‌عنوان فايده‌ی مهلت قرار دادن در امر حکمیت برمی‌شمرند:
۱- برخورد صبورانه سبب می‌شود کسانی که از واقعیت‌ها آگاهی ندارند، فرصت پيدا کنند به تحقيق و بررسی بپردازند تا شاید حقيقت امور بر آن‌ها روشن شود.

۲- رفع پاره‌ای ابهام‌ها سبب افزايش آگاهی صاحبان بصيرت شده و بر استواری آنان در عقايدشان می‌افزاید.

۳- در اين مدت، احتمال قانع ساختن افراد ناآگاه به وسیله اندیشمندان و نخبگان فراهم می‌گردد.
بنابراین، هر چند در پاره‌ای از فتنه‌ها به برخوردهای تند و محکم نیاز است تا دامنه‌ی فتنه فراگیر نشود و به تمام ارکان جامعه و حکومت سرایت نکند، اما نباید آگاهی عمومی و آرامش بخشیدن به آحاد بی‌طرف و کمتر مطلع جامعه را فدای ساکت کردن ظاهری فتنه نمود؛ زیرا فتنه‌ها وقتی از ریشه نابود

می‌شوند که فتنه‌زدگان از ماهیت حقیقی آن باخبر گردند و حقایق زلال از لابه‌لای غبارهای برخاسته خود را نمایان سازند. لذا گاهی باید تلفات داد و هزینه‌هایی را به جان خرید تا آگاهی عمومی افزوده شود و التهاب‌های برخاسته در زیر پوست جامعه - که همچون آتش زیر خاکستر، امکان شعله‌ور شدن دارند - آرام گردد.

۲-۵-۵. جدا کردن صف فتنه‌گران از فتنه‌زدگان

باید توجه داشت بسیاری از کسانی که در جبهه‌ی فتنه قرار می‌گیرند، فریفته‌ی شعارهای زیبا و فریبنده فتنه‌گران شده‌اند و مانند آنان آگاهانه دست به کار نشده‌اند. این افراد به محض کسب آگاهی، دیگر خود را هزینه‌ی جاه‌طلبی‌ها عده‌ای خاص نخواهند کرد.

امام علی(ع) در تعبیری رسا این حقیقت را گوشزد می‌کنند که شیوه‌ی برخورد با فتنه‌گران و فریب‌خوردگان فتنه باید متفاوت باشد: «هر فریب‌خورده را سرزنش نتوان کرد» (حکمت/۱۵).

امیرمؤمنان هم‌چنین میان خوارج که بسیاری‌شان نیت‌های صادقانه داشتند ولی گرفتار جهل و نادانی شده بودند و میان یاران معاویه که آگاهانه علیه امام(ع) فعالیت می‌کردند، فرق می‌نهادند و می‌فرمودند: «پس از من خوارج را مکشید. چه، آن که به طلب حق درآید و راه خطا پیماید، همانند آن نیست که باطل را طلبد و بیاید [و بدان دست گشاید]» (خطبه/۶۱).

توجه نکردن به این نکته بسیار مهم و در هم دیدن فتنه‌گران و فتنه‌زدگان موجب خواهد شد که برخورد با هر دو گروه یکسان شود و در نتیجه، یا فرصت برای فتنه‌گری بیش‌تر مهیا گردد و فتنه‌زدگانی که قابلیت اصلاح و بازگشت به راه حق را دارند، با قوت به جبهه باطل بپیوندند و دیگر نتوان حقایق را برای ایشان آشکار نمود.

۲-۶. وظیفه افراد ناآگاه در شرایط ظهور فتنه

در مبحث قبل به وظایف آگاهان و خواص جامعه در شرایط فتنه اشاره شد؛ اما بسیاری از مردم که در این فضای پرغبار قادر به تشخیص حق از باطل نیستند، چه وظیفه‌ای دارند؟ امام علی(ع) چند وظیفه اساسی را در ارتباط با این گروه متذکر می‌شوند:

۲-۶-۱. خودداری از ورود در مسیرهای ناشناخته

کناره گرفتن از ورود در راه‌های مبهم که چه بسا انتهای آن‌ها جز سقوط و هلاکت نباشد، بهترین انتخاب برای کسی است که دچار حیرت شده و قادر به تشخیص مسیر حق از مسیر باطل نیست. حضرت می‌فرمایند: «و راهی را که در آن از گمراهی ترسی مسپار که هنگام سرگردانی گمراهی، بازایستادن بهتر است تا در کارهای بیمناک افتادن» (نامه/۳۱).

اصولاً یکی از دستورهای پرننگ در آموزه‌های دینی، توقف در هنگامه‌ی بروز شبهه‌هاست. از جمله، امیرالمؤمنین(ع) نیز در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «هیچ پارسایی‌ای چون بازایستادن هنگام ندانستن احکام نیست» (حکمت/۱۱۳).

بدیهی است دستور به توقف در هنگامه بروز شبهات در برخورد ابتدایی نیکوست؛ اما لازم است هر کسی در حد توان خود بکوشد تا سطح آگاهی خود از شرایط اجتماعی را بالا ببرد و از فتنه‌های زمان مطلع شود و گرنه، خود این کنار ایستادن و توقف کردن می‌تواند کمکی به جبهه‌ی باطل باشد و انسان را در دام آنان گرفتار کند.

۲-۶-۲. سواری ندادن به فتنه‌گران

رفتار انسان در رخداد‌های فتنه‌آلود باید به گونه‌ای باشد که منافقان و فتنه‌گران نتوانند از او برای رسیدن به اغراض خود بهره بگیرند. چرا که اصحاب فتنه جاهلانی را که شعاع درکشان از حد ظواهر فراتر نمی‌رود، ابزار رسیدن به مقاصد خود قرار می‌دهند. به تعبیر امام علی(ع) در مورد خوارج نادان، چنین جاهلانی همچون تیرهایی در دست شیطانند: «پس شما بدترین مردمید و آلت دست شیطان و موجب گمراهی این و آن» (خطبه/۱۲۷).

بنابراین در چنین شرایطی، شایسته‌ترین کار این است که انسان به گونه‌ای عمل کند که مانع سوءاستفاده دیگران شود. امیرالمؤمنین می‌فرماید: هنگام فتنه چون شتر دوساله باش: «نه پشتی تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند» (حکمت/۱) [چنان زی که در تو طمع نبینند]. این تشبیه به زیبایی بیان‌گر این مطلب است که هرگونه موضع‌گیری و رفتاری که به سوءاستفاده اطراف فتنه بینجامد، کمک به جبهه باطل است و باید از آن پرهیز نمود. حتی گاهی سکوت کردن نیز کمک به این جریان خواهد بود.

ابن ابی الحدید در مورد این تشبیه آورده است که مقصود از هنگام فتنه هنگامه جنگ میان دو سالار گمراه است که هر دو به گمراهی فرامی‌خوانند همچون هنگامه میان عبدالملک و ابن‌زبیر ولی هرگاه یکی از دو طرف بر حق باشد مانند جنگ جمل و صفین هنگامه فتنه نخواهد بود بلکه جهاد و شمشیر کشیدن در رکاب آن کس که به حق است واجب است و باید نهی از منکر کرد و در راه اعزاز دین از جان دریغ نکرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۶۷: ۲۲۸/۷).

۲-۶-۳. حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه

یکی از چیزهایی که فتنه‌گران را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رساند، بروز چنددستگی و تفرقه در جامعه است. صبر و سکوت امیرالمؤمنین در فتنه‌ی بعد از رحلت رسول خدا(ص) به خوبی نمایانگر اهمیت وحدت امت اسلامی است. امام دلیل سکوت خود را در هنگامی که حق مسلم او غصب شده بود، تنها علاقه به حفظ اسلام و عدم بروز تفرقه میان مسلمین عنوان نموده و می‌فرماید: «چون او [= پیامبر(ص)] به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت به هم افتادند [و دست ستیز گشادند] ... پس دست خود باز کشیدم تا آن که دیدم گروهی در دین خود نماندند و از اسلام روی برگرداندند و مردم را به نابود ساختن دین محمد(ص) خواندند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا ویرانی‌ای که مصیبت آن بر من سخت‌تر [از محروم ماندن از خلافت] است و از دست شدن

حکومت شما که روزهایی چند است. ... پس در میان آن آشوب و غوغا برخاستم تا جمع باطل بپراکنید و محو و نابود گردید و دین استوار شد و بر جای بیارمید» (نامه/۶۲).

همچنین در اهمیت تمسک به وحدت فرمودند: «و با اکثریت هم‌داستان شوید، که دست خدا همراه جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره‌ی شیطان است، چنان که گوسفند چون از گله دور ماند، نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید، هر که مردم را بدین شعار بخواند، او را بکشید، هر چند زیر عمامه‌ی من باشد!» (خطبه/۱۲۷).

حفظ وحدت اجتماعی در شرایط پدیدار شدن فتنه‌ها به قدری مهم است که حضرت، دعوت‌کنندگان به تفرقه میان مؤمنان را تهدید به قتل می‌کنند؛ چرا که فتنه شدیدتر و بدتر از قتل است! از این رو، باید جامعه‌ی مؤمنان در هنگام بروز فتنه‌ها، وحدت و یکپارچگی را به عنوان یک اصل قرار دهند که تحت هیچ شرایطی و ذیل هیچ عنوانی نباید از دست برود و مخدوش گردد.

۲-۶-۴. کسب آگاهی و بصیرت

اصلی‌ترین وظیفه‌ی انسان برای واقع نشدن در دام فتنه، تلاش در جهت افزایش بصیرت و خارج شدن از جرگه‌ی عوام و پیوستن به صف خواص آگاه است. امام علی(ع) پس از جنگ جمل در سخنی با اهل بصره، سبک‌عقلی و فقدان بصیرت در ایشان را عامل بهره‌برداری منفعت‌طلبان از آنان معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «سرزمین شما به آب نزدیک است و دور از آسمان! خرده‌ایتان اندک است و سفاقت در شما نمایان. نشانه‌ی تیر بلائید و طعمه‌ی لقمه‌ربایان و شکار حمله‌کنندگان» (خطبه/۱۴).

امام در سخن دیگری پیروزی در این صحنه‌ها را تنها برای صاحبان بصیرت امکان‌پذیر می‌داند و چنین می‌فرماید: «و این علم را بر ندارد مگر آن که بینا و شکیباست و داند که حق در کجاست» (خطبه/۱۷۳).

با توجه به این نکته، اگر جامعه‌ای بخواهد از فتنه‌ها مصون بماند و فریفته‌ی فتنه‌گران نشود، اساسی‌ترین نیاز آن این است که به ارتقای سطح آگاهی و بالا رفتن معرفت خود بیندیشد و برای آن بکوشد. چرا که جامعه‌ی ناآگاه و کم‌بهره از معارف، به راحتی تحت تأثیر جو ایجادشده قرار خواهد گرفت و بازیچه‌ی دست فتنه‌گران خواهد شد. لذا هر چه بتوان فضای بازاندیشی و طرح سؤال و جواب و رشد فکری و آگاهی مردم را بالا برد طبعاً از بروز فتنه‌ها جلوگیری خواهد شد و اصولاً رشد یک فرد و جامعه نشانه لطف خداوند به آن مردم است که در احادیث فراوان به آن اشاره شده است

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته، چنین نتیجه گرفته می‌شود که هم حاکمان سیاسی، هم گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و نخبگان و هم آحاد مردم در پدید آمدن و دامن زدن به فتنه‌ها نقش زیادی بازی می‌کنند. از

این رو لازم است با آگاهی بخشی به این سه گروه و مطلع ساختن آن‌ها از ابعاد فتنه، در راه پیش‌گیری از ایجاد فتنه‌های اجتماعی گام برداشت و به فتنه‌گرانی که هر لحظه منتظر فرصت‌اند تا از آشفتگی فضا استفاده کنند و مطامع خود را پیش ببرند، مهلت عرض اندام نداد.

اما اگر به هر دلیل فتنه‌ای نیز اتفاق افتاد، این سه گروه با هوشیاری و توجه به آموزه‌های امیرالمؤمنین(ع) می‌توانند در بستن راه آن تلاش کنند و حداقل به‌گونه‌ای رفتار نمایند که آسیب‌ها و آفات فتنه به حداقل برسد و تلفات کمتری در پی داشته باشد.

شاید به‌عنوان یک نتیجه‌ی دیگر بتوان این مطلب را مطرح کرد که حاکمان - با توجه به قدرت سیاسی‌شان - باید مراقب باشند که خودشان و یا نزدیکانشان در بسترهای ایجاد فتنه نگلتنند و دست به فتنه نزنند؛ نخبگان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی باید مراقب باشند که به گسترش فتنه کمک نکنند و در امر آگاه‌سازی توده‌ها کوتاهی نورزند؛ آحاد جامعه و توده‌ی مردم نیز باید مراقبت کنند که برای آتش فتنه‌گران هیمه نشوند و سواری رایگان به آنان ندهند تا تنور فتنه بیش از این گرم نگردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۶۷). شرح نهج البلاغه. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- ----- (۱۳۹۲). شرح نهج البلاغه. ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: کتاب نیستان.
- بلخی، مولانا جلال الدین. (۱۲۶۰). مثنوی معنوی، بی جا: بی نا.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۸). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۴). بوستان. تهران: طلوع.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۸). تاریخنامه طبری. ترجمه محمد بن محمد بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: سروش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (بی تا). الإرشاد. سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر اسلامی.
- مصطفوی، سید حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمومنین (ع). تهران: دارالکتب الاسلامیه.